

او که دلتنگی‌هایم را می‌شناسد...

سمیه سادات لوح موسوی



دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فهرست

۱ به جای مقدمه

دعای نور

۵ پروردگار روشنائی بخش

دعای توسل

۷ در جست و جوی مطمئن ترین وسیله

دعای کمیل

۱۳ مثل کسی که عزیزی را گم کرده است

دعای عهد

۱۹ ظهورش به همین نزدیکی ست

دعای فرج

۲۳ او که دلتنگیهایم را می شناسد

مناجات شعبانیه

۲۵ همان که قلبش از عشق به تو می تپد

شش / او که دلشنگه‌ایم را می‌شناسد...

دعای عرفه

وقتی زمین با همه بزرگی‌اش برایم کوچک می‌شود..... ۲۹

دعای ندبه

کجاست فریادرس بیچارگان..... ۳۳

دعای سمات

به چه نامی بخوانمت..... ۳۷

دعای سحر ماه رمضان

یک نفس توکل..... ۴۱

دعای سریع الاجابه

من را به حاجتم برسان..... ۴۵

مناجات حضرت امیر

به من پناه بده..... ۴۹

دعای مکارم الاخلاق

احساس سربلندی و عزت..... ۵۳

به جای مقدمه

□ شب - مشهد - حرم امام رضا (ع)

در بی آرایش ترین نقطه ایران، سجاده ای کوچک پهن کرده ام و دست نیازم را به مهربانی غریب، نشان می دهم.

روبروی پنجره فولاد نشسته ام و بی صدا اشک می ریزم. دلم از همه کج فهمی ها و نادانی های روزگار گرفته است.

گنبد زرد را که به آسمان بی انتها تکیه داده است؛ نگاه می کنم و نورش که در تاریکی شب می درخشد، مرا به سر پناهی امن امیدوار می کند و تن سردم را به حضوری گرم نوید می بخشد.

طنابهای زرد و سرخ که دور گردن بیماران لاعلاج بسته شده است را دنبال می کنم. پسرک نحیفی از حلقه طناب خسته شده است. مادرش اشک می ریزد. و من در این فکرم که: «ای کاش یکی از این طنابها به قلب بیمارم متصل بود تا امیدی به شفایش پیدا می کردم.»

شاید برای پنجمین بار است که دختر کناری ام دعای توسل را شروع می کند:

«اللهم انی اسئلك»

مردی که پشتم نشسته بود، فریاد می‌زند: «خدایا به حق پاکی دل جوانها» و با دختر همصدا می‌شود. با خودم فکر می‌کنم که این نقطه از زمین با کدام یک از تعاریف ادبی ترسیم می‌شود. با کدام یک از معادلات ریاضی محاسبه می‌گردد یا با کدام فرمول شیمیایی تجزیه و ترکیب می‌شود. خدایا، چه خاصیتی در این مکان هست که مرد و زن، فقیر و غنی، خاص و عام همه از یک جنس می‌شوند. «از جنس نیاز!»

کم‌کم همه اطرافیانم با دختر هم توسل شده‌اند «یا حجت‌الله علی خلقه» دوباره به فکر فرو رفته‌ام، سؤالات زیادی یکباره به مغزم هجوم می‌آورند:

«چه قدر از معانی این دعاها را می‌فهمند؟

کدام یک از کلمات این دعا را درک می‌کنند؟

چرا وقتی انسانها سر تا پا نیاز می‌شوند به دعا رو می‌آورند؟

فلسفه دعا چیست که از زمان آدم عليه السلام تا ماکه در این حریم امن هستیم به این

ریسمان می‌آویزیم؟»

و بعد یک فکر در ذهنم جرقه می‌زند. یک ایده در دلم زنده می‌شود، جان می‌گیرد و به آرزو تبدیل می‌گردد:

«ای کاش می‌توانستم برداشتی از این دعاها را در کنار هم گردآوری کنم، هر چند قایقی کوچک در دریایی بیکران باشد.»

□ صبح - تهران - مجله رشد

پیشنهاد برداشت آزاد از دعا‌های مفاتیح مورد قبول واقع شده است و با دعای توسل که نویدبخشم بوده، شروع می‌کنم. ترجمه را به چند دبیرستان و کانون فرهنگی می‌فرستم تا از نکات غیرقابل درک و جملات نامفهوم باخبر شوم. حتی معلمها هم از معنی دعا استقبال می‌کنند و با اینکه قسمتهایی از دعا را

حفظ هستند ولی معنی آن را نمی‌دانند و این انگیزه‌ای می‌شود برای من که کار را جدی‌تر ادامه دهم و سراغ دعاهاى بعدی بروم. معانی و جملات را زیر و رو نمایم و علت بیان دعاها را در کتابهای تاریخی دنبال کنم و تا اندازه‌ای که از درک و فهم جوانها دور نشود، آنها را عنوان کنم.

□ عصر - تهران - منزل

قلم ناچیز و کم‌ارزشم برای نوشتن مقدمه‌ای بر کتاب دعا بسیار فرومایه است. اما عشق به وجودی گرانبها و امید به دستانِ کریمانه صاحب دعا جرأت نوشتن و جسارت برداشتهای آزاد از چشمه‌ساری همیشه جوشان را در دلم زنده کرده است. امیدوارم چشم تو نیز هنگام خواندن این دعاها مثل دیده من، وقت نوشتن پُر از اشک شود و دلت همچون قلب من، مملو از عشق به دوستی گردد که همیشه منتظر صدای توست.

چون خودش فرمود: «صدایم کنید تا جوابتان دهم» و رسول بزرگوارش وعده داد که: «محبوب‌ترین اعمال در پیشگاه خداوند، در روی زمین دعا است؛ که قضا و بلا را برمی‌گرداند و شفای هر دردی است».

و ما توفیقی الا بالله

سمیه سادات لوح موسوی

اسفند ۸۴